



بررسی رویکردهای پیشگیرانه از وقوع قتل‌های سریالی با نگاه به پرونده قتل‌های سریالی مهین قدیری

فرزین افروز^۱
امیررضا محمودی^۲
وحید زارعی شریف^۳
طیبه قدرتی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

چکیده

قتل‌های سریالی، یکی از پدیده‌های مذموم جنایات امروزه بشر است و از مباحث مهم رویکردهای جامعه‌شناختی، توسعه‌ای، جرم‌شناسی و روانشناسی هستند. قتل‌های سریالی پدیده‌ای جدید و منحصر به یک نقطه از جهان نیست، بلکه در همه کشورهای دنیا، دیده می‌شود و پدیده‌ای نسبتاً نادر است اما تأثیرات منفی اینگونه جرائم، جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قاتلان سریالی در بسیاری جهات از جمله انگیزه‌های آنها ارتکاب جرم و رفتارشان در صحنه جرم یکسان نیست. قتل‌های سریالی بدان سبب که در آن فرد قادر به کشتن تعداد بیشتر از یک نفر است از نظر جرم‌شناسی و روان‌شناسی از اهمیت بسیاری برخوردار است. وقوع قتل‌های سریالی بیش از آن که منشأ بیرونی و محیطی داشته باشد منشأ درونی و روان‌شناختی دارد. در واقع، محل کنکاش این پرسش مهم که چرا فردی اقدام به کشتن سریالی افراد می‌کند و رویکردهای پیشگیرانه آن چه می‌باشد بسیار مهم می‌باشد. با این وصف، تمرکز بحث در نوشتار حاضر، علت‌شناسی قتل‌های سریالی از بعد روان‌شناختی و برمبنای اختلالات شخصیتی مرتکبان و راه‌های پیشگیرانه آن با رویکردی به پرونده مهین قدیری با روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: قتل سریالی، عوامل بروز قتل‌های سریالی، مهین قدیری، رویکردهای پیشگیرانه در بروز قتل‌های سریالی.

^۱ دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران. amirreza.mahmodi@gmail.com
^۲ استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران. (نویسنده مسئول): farzin.afrooz@yahoo.com
^۳ استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران. dr.zsharif@gmail.com
^۴ استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران. ghodrati@liau.ac.ir

مقدمه

مفهوم پیشگیری، طبعاً در ارتباط با جرائم خشن، که به ویژه به دلیل تبعات و آثار ناگوار روانی و فضای رعب و وحشتی که به دلیل وقوع آنها بر جامعه حاکم می‌شود، بسیار مورد توجه قرار گرفته و اهمیت بیشتری نیز می‌یابد؛ قتل‌های سریالی، از جمله جرائم خشونت باری هستند که به خصوص زمانی که ناشی و برخاسته از «نفرت»^۱ بزهکار از بزه دیدگان باشند، مورد مذاقه فراوان و عمیق افکار عمومی و نیز کارشناسان قرار می‌گیرند. براین اساس، بحث از پیشگیری از قتل‌های سریالی را می‌توان از جمله مهمترین مباحث مطروحه حول این نوع از قتل‌های وحشت آور به شمار آورد.

پیشگیری، هرفعالیت سیاست جنایی است که غرض انحصاری یا غیر کلی آن، تحدید حدود امکان پیش آمد مجموعه اعمال جنایی از راه غیرممکن الوقوع ساختن یا دشوار کردن، یا پایین آوردن احتمال وقوع آن است. در مسئله قتل‌های سریالی، پیشگیری از جمله مهمترین مولفه‌ها در میان موضوعات مطرح در ارتباط با این قتل‌ها است، از آنجا که قتل‌های سریالی خاصیت تکرارشوندگی را با خود دارند، موضوع بحث نیز پیشگیری از سریالی شدن قتل‌ها است، به عبارت بهتر، چگونگی جلوگیری از تکرار قتل‌ها و کشف زود هنگام آن موضوع بحث پیشگیری از قتل‌های سریالی است.

پیشگیری، تاثیر مثبت و مستقیم در افزایش و تحکیم امنیت اجتماعی به ویژه، در بعد ذهنی و روانی آن دارد، آمار قابل توجهی که هر از گاه در مورد نرخ وقوع قتل‌های سریالی ارائه می‌گردد، به صراحت گویای اهمیت بالای بحث پیشگیری از وقوع چنین جرائم هراس انگیزی است. یکی از مهمترین معیارهای سنجش ضرورت و اهمیت یک موضوع، میزان اهمیت و جایگاه آن نزد افکار عمومی است، از این رو قتل‌های سریالی به دلیل کثرت تعداد بزه دیدگان، شیوه‌های ارتکاب آن، تاثیرات سوء آن بر امنیت روانی و اجتماعی آحاد جامعه و به دلیل ترس از جرم و بزه دیدگی، در زمره مهمترین جرایمی است، که علاوه بر بزه تمامیت جسمانی اشخاص، جرم علیه آسایش و امنیت عمومی نیز به حساب می‌آید.

از قتل‌های سریالی ایران به خصوص قاتل سریالی زن ایرانی و نخستین قاتل زن سریالی در تاریخ جنایی ایران، مهین قدیری است، حال بررسی این نکته مهم است، مهین قدیری که بوده و درچه خانواده‌ای رشد و پرورش یافته؟ آیا محیط زندگی وی در وقوع قتل‌های سریالی او نقش

¹ Hate

داشته است؟، انگیزه وی از این قتل‌ها چه بوده؟ واز همه مهمتر نقش جامعه و رویکرد آن در پیشگیری از وقوع چنین قتل‌های ناگواری چیست؟

از طرفی یکی از دغدغه‌های مولفین همواره براین بوده است که چرا از میان تمامی ابعاد پیرامونی مورد بحث هنگام وقوع قتل‌های سریالی، مباحث عمدتاً معطوف به اقدامات پسینی جرم است؟ و کمتر از اقدامات پیشینی و رویکردهای پیشگیرانه در قبال وقوع قتل‌های سریالی سخن به میان آمده است. در صورتی که در مواجهه با قتل‌های سریالی و جرایمی از این دست، مهمترین وظایف دولت‌ها و دستگاه عدالت کیفری، به منظور حمایت از افراد جامعه و افزایش امنیت آنان می‌بایست اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه باشد. بنابراین به نظر می‌رسد پیشینه اجتماعی، خانوادگی، جمعیتی و روان شناختی شخص در پرونده قتل‌های سریالی، نقش موثری در ارتکاب جرم دارد. همچنین به نظر می‌رسد تامین نیازهای اولیه فرد در جامعه، یکی از مهمترین عوامل بازدارنده در ارتکاب جرم می‌باشد و ارتباط مستقیمی بین انگیزه‌های مجرمانه و یادگیری‌های اجتماعی مجرم در ارتکاب جرم وجود دارد.

نوآوری موجود در پژوهش حاضر این می‌باشد که رویکردهای پیشگیرانه از وقوع قتل‌های سریالی با نگاهی به پرونده مهین قدیری صورت گرفته است و با برقراری ارتباط بین این موضوعات جنبه‌های آن به شکل ملموس ارایه شده است. در پژوهش حاضر ضمن علت‌شناسی قتل‌های سریالی، عوامل موثر محیطی، درونی و بیرونی، نابسامانی‌های فرهنگی و اقتصادی در بروز این نوع قتل‌ها مورد مطالعه قرار گرفته و سپس با استفاده از مفهوم پیشگیری کیفری، پیشگیری انتظامی، پیشگیری عام و خاص و پیشگیری جامعه محور و فرد مدار روش‌های پیشگیری از قتل‌های سریالی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. قتل سریالی و علت شناسی آن

با وجود آنکه پدیده قتل‌های سریالی، نسبتاً یک واقعه نادر است و تنها حدود یکی، دو درصد از کل قاتلان در هر سال سریالی هستند. اما اخبار، مقالات، کتب و فیلم‌های بی‌شماری پیرامون آنها تولید و منتشر شده است، قتل‌های سریالی، بیش از آنکه به لحاظ مولفه‌های حقوق کیفری حایز اهمیت باشند، از بُعد جرم شناختی و سایر علوم مرتبط (نظیر روان‌شناسی و روانپزشکی و نیز جامعه‌شناسی و اقتصاد و سیاست) دارای برجستگی هستند. (فرزانه، فروتن، ۱۳۹۴، ۲۶) همانگونه که تمام قاتلان سریالی مشابه نیستند و تفاوت‌های آنها تنها به انگیزه بستگی ندارد بلکه به دستاوردهای از پیش تعیین شده نیز وابسته است (خسروانی، ۱۲۵، ۱۳۹۳)

از منظر حقوق کیفری، قتل‌های سریالی نیز در نهایت، قتل واز دسته جرایم خشونت بار محسوب می‌شوند، و سیاست جنایی نیز با تشدید کیفر، تقریباً واکنشی مشابه با قتل واحد را در قبال آن اتخاذ می‌کند. (فرزانه، فروتن، ۲۷، ۱۳۹۴)

پدیده قتل سریالی از حیث جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی، دارای تمایزاتی ویژه در مقایسه با قتل واحد است، از دیدگاه یک جرم‌شناس یا جامعه‌شناس، فردی که در یک واقعه، اقدام به کشتن فرد یا افرادی می‌کند، با فردی که در طول زمان و در وقایع جداگانه و به شیوه‌های اغلب آیینی و توأم با آزار و اذیت و به قصد پیگیری صرف مقاصد و انگیزه‌های شخصی، از قربانیان متعددی سلب حیات می‌کند، به احتمال زیاد یکسان انگاشته نمی‌شود، بلکه فرد دوم، واجد تفاوت‌های اساسی فردی و محیطی است که با فرد اولی ارزیابی می‌گردد. (فرزانه، فروتن، ۱۳۹۷، ۲۷)

۱-۱. هویت ضد اجتماعی

"فردی با هویت ضد اجتماعی کسی است، که کاملاً با آنچه هست راحت می‌باشد، اما تظاهر هویتی آنان با قواعد و انتظارات اجتماعی ناسازگار و ناهمخوان است." (قادری، امیر سرداری، پور صادق، ۱۳۹۸، ۱۳۴)

افراد با هویت ضد اجتماعی، خلاء هویتی بسیار کمی دارند، و یا بدون خلاء هویتی هستند، آنها معمولاً خودشیفته هستند، و نمیتوانند همدلی کنند، یا برانگیختگی همدلانه داشته باشند، این افراد مکانیزم خود بازدارنده ندارند و فقط به دلیل عواقب بالقوه از کارها اجتناب می‌کنند. (همان، ۱۳۴)

این اشخاص اعتقادات لذت‌گرا یا آشوب طلب دارند و به ندرت حسن اخلاقی و روانی دارند، به طور معمول تا حدود زیادی هویت اجتماعی آنان وجود ندارند، آنها هیچ نیازی به همنوایی با انتظارات جامعه احساس نمی‌کنند، بنابراین اهداف تحصیلی و شغلی سطح پایین دارند، این نوع هویت نتیجه شکست برای تعهد به نقش‌های هویتی قابل قبول در طول نوجوانی است، به طور معمول این امر نتیجه فرزند پروری سهل‌گیر یا نادیده‌انگار است و این نوجوان عزت نفس خود را از طریق همانندسازی با گروه‌های ناسالم همسالان کسب می‌کند، ارزش‌های گروه به عنوان ارزش‌های خود فرد درونی می‌شود. (همان، ۱۳۴، ۱۳۵)

۱-۲. علل محیطی

علل محیطی، عمدتاً متاثر از شرایط محیط و اجتماع می‌باشند، در حقیقت نقش تعیین‌کننده

و موثرتر را، عوامل محیطی بعهدده دارند، هرچند نمی‌توان انکار نمود که فرد محصول مشترک عوامل فردی و اجتماعی است و در هیچ شرایطی نمی‌توان نقش هیچ یک از این دو عامل را نادیده انگاشت. (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ۱۹۷، ۱۹۶)

در تحلیل‌های جرم‌شناختی و در بحث از علت‌شناسی جرم (تبیین علل و عوامل وقوع جرم) هرگز نمی‌توان از اهمیت علل محیطی غافل بود، محیط اجتماعی پیرامون فرد، سرشار از مولفه‌ها و متغیرها و زمینه‌هایی است، که فرایند بزه‌کار شدن را تسهیل کرده و تسریع می‌بخشد، (فرزانه، فروتن، ۱۳۹۴، ۵۲)

در جرم‌شناسی، " محیط را عبارت می‌دانند از: محیط فردی و اجتماعی. محیط فردی مختص هر فرد به تنهایی است و دیگری در آن حضور یا سهم ندارد، برعکس محیط اجتماعی، محیطی است که علاوه بر فرد، دیگری یا دیگران نیز در آن حضور داشته و سهم دارند". (همان، ۵۲)

۳-۱. محیط اجتناب‌ناپذیر (خانواده) و محیط متشنج و از هم پاشیدگی خانواده

" منظور از محیط اجتناب‌ناپذیر، خانواده است، چرا که انسان، درباره حضور یا عدم حضور در این محیط، اختیاری نداشته و ناگزیر از قرار گرفتن در این محیط بوده است." (همان، ۵۵) منظور از محیط خانوادگی رابطه طفل با والدین، محیط متشنج خانوادگی، از همگسیختگی خانواده، تاثیر رفتار و کردار والدین، موقعیت طفل در سلسله مراتب خانوادگی می‌باشد (حسینی، زرگر، ۱۳۹۳، ۳۲).

خانواده اساسی‌ترین بافت در ساختار اجتماعی است و مهمترین و بارزترین تاثیرات را نیز بر فرد انسانی دارد، وضعیت و موقعیت و ترکیب خانواده، به میزانی مهم است که اساسی‌ترین نقش را در زندگی اجتماعی انسان بازی می‌کند، وابستگی شدید عاطفی بین کودک و والدین، نیاز مطلق کودک در تمامی ابعاد زیستی و روانی به والدین و وسعت یادگیری کودک در سالهای اولیه زندگی، عمق تاثیر خانواده بر روحیات طفل را نشان می‌دهد (فرزانه، فروتن، ۵۵، ۵۶، ۱۳۹۴).

انسان از آغاز تولد و شروع زندگی اجتماعی در خانواده، به تدریج پیوست شدن به اجتماع و کامل کردن زندگی اجتماعی خود را تا کامل شدن فرایند رشد فراگرفته و ادامه می‌دهد، " در واقع، خانواده است که بایسته‌های پیوستن به اجتماع و زندگی اجتماعی را به وی می‌آموزد و او را از موجودی زیستی به موجودی اجتماعی تبدیل می‌کند." (همان، ۵۶)

بدین ترتیب از میان کارگزاران جامعه پذیرسازی و اجتماعی نمودن مطلوب کودکان، خانواده حایز رتبه نخست و مهمترین جایگاه را دارا است. در مورد قاتلان سریالی نیز، تاثیر نامطلوب بودن

کارکرد و عملکرد خانواده‌ای که آنها در آن به دنیا آمده یا پرورش یافته اند بر رفتارهای بزهکارانه و خشونت بار آنها ثابت شده است. در مواردی که اساساً تولد یا پرورش آنها در محیط خانوادگی رخ نداده و آنها همواره از خانواده و حمایت‌های خانوادگی محروم بوده اند، تمایلات و انگیزه‌های بزهکارانه در افراد، بیشتر و پر رنگتر نیز بوده است. (همان، ۵۵-۵۶)

۲. عوامل موثر در بروز قتل‌های سریالی توسط مهین قدیری

تا قبل از سال ۱۳۸۷ هجری شمسی، تا زمانی که مهین، اولین عامل قتل‌های سریالی زن در ایران مرتکب شش فقره قتل نشده بود، هیچکس نمی‌توانست تصور کند که در ایران قاتل سریالی زن وجود داشته باشد. اصلاً تصور وجود یک قاتل سریالی زن برای مردم ایران بسیار دشوار بود. تا اینکه پس از دستگیری مهین، این شک برای همه تبدیل به یقین شد که یک زن می‌تواند نقش قاتل سریالی را بازی کند. تاکنون قاتلان سریالی نسبتاً زیادی در ایران وجود داشته اند، ولی در بین آنها یک زن نبوده است. دقیقاً در سال ۱۳۸۸ مهین در پای میز محاکمه، عامل قتل پنج زن سالمند و یک مرد شناخته شد.

نخستین قاتل سریالی زن ایران عنوانی است که به زن ۳۵ ساله‌ای به نام مهین قدیری اختصاص یافته است. وی با کشتن پنج زن و یک مرد در قزوین افکار عمومی را به شدت تحت تاثیر قرار داده و امنیت و آرامش عمومی را در آن مقطع به شدت جریحه‌دار کرد.

مهین قدیری در خانواده‌ای با وضع مالی متوسط زندگی می‌کرد تا کلاس سوم راهنمایی درس خوانده در سن ۱۴ سالگی ازدواج کرد که حاصل این ازدواج دو فرزند بود یکی از آنها از معلولیت رنج می‌برد و مراقبت از وی وعدم مسولیت پذیری شوهر و اعتیادش هزینه‌های زیادی را در پی داشته، به همین دلیل مهین جهت تامین زندگی به به انجام مشاغل متعددی روی می‌آورد اما این شغل‌ها هزینه‌های زندگی او را تامین نمی‌کرد "مهین قدیری در بازجویی‌ها عنوان کرده که انگیزه اصلی اش از ارتکاب قتل‌ها، مشکلات مالی بوده و قربانیانش را از میان زنان مسن (با این ذهنیت که سن و سالی از آنها گذشته) انتخاب می‌کرد، که جواهرات بسیاری را با خود حمل می‌کردند."

با آنکه از سرگذشت و دوران کودکی مهین قدیری اطلاعات دقیقی در دست نیست تا بتوان تحلیل دقیقی را ارائه کرد، اما با توجه به اطلاعات موجود که در ادامه به آن خواهیم پرداخت می‌توان گفت: هر چند وقوع جرایم متاثر از عوامل متعددی می‌باشد، اما از لحاظ اجتماعی مشکلات و فشارهای اقتصادی خانواده و فقر، یکی از عوامل مهم بزهکاری وی محسوب

می‌شود، لذا ممکن است افراد برای کسب درآمد و امرار معاش به سمت بزهکاری و جرم سوق پیدا کنند، همانگونه که مهین قدیری برای تامین هزینه‌های زندگی خود و خانواده‌اش و رفع مشکلات مالی؛ به قتل زنان سالخورده دست می‌زند و پس از قتل، طلا و جواهرات زنان مسن را سرقت کرده و می‌فروخت.

۱-۲. محیط اصلی یادرونی

تحقیقات متعددی در خصوص خانواده و تاثیر آن بر ارتکاب به جرائم صورت گرفته است، یکی از عوامل اصلی و اولیه گرایش به بزهکاری، خانواده‌های بی ثبات و بی سازمان هستند (فرجاد، ۱۳۶۹، ۷۵) زیرا اکثر مشکلات افراد ناشی از سخت‌گیری‌های والدین؛ عدم توجه آنها به کودک، محرومیت کودک از یکی از والدین، یا هر دوی آنها، ضعیف بودن اخلاقیات خانواده و آرزوهای جاه‌طلبانه والدین برای کودکان می‌باشد (همان، ۷۶). پژوهشها ثابت کرده‌اند وقتی که فسادى موجب بروز اختلال در عمل طبیعى خانواده نسبت به طفل شود در غالب موارد وپس از مدتی شاهد بروز بزهکاری خواهیم بود نفوذ خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک بزهکار هم بصورت مستقیم و غیر مستقیم است. (کی نیا، ۱۳۸۸، ۱۸۲)

گاهی نیز این مسائل می‌تواند منجر به جنون شوند، افرادی که در کودکی و نوجوانی از آزادی محروم بوده و نتوانستند به تحصیلات خود ادامه دهند، ممکن است بخواهند حقوق از دست رفته خود را به دست بیاورند و بدین وسیله از جامعه انتقام بگیرند و به سمت اعمالی می‌روند که از آنها منع شده‌اند، مانند تجاوز به حقوق دیگران از طریق ارتکاب جرم وجنایت، تا بدین وسیله فشارهای روحی و روانی را که دارند، کاهش دهند. (فرجاد، ۱۳۶۹، ۷۵)

مهین قدیری سومین فرزند یک خانواده ۹ نفری که دارای یک برادر و ۶ خواهر است و دارای دو فرزند دختر که به آنها علاقه وافری نشان می‌داده و بعد از دستگیری هر وقت که به یاد دخترانش می‌افتاده به شدت گریه می‌کرده به خصوص یادآوری دختر کوچکش که از ناحیه دست و پا معلول جسمی و دارای لکنت زبان بوده او را متاثر می‌نموده است (علت معلولیت فرزند وی را نیز باید در فقر فرهنگی و سطح پایین سواد وی دانست). پدر مهین به مدت ۸ سال در ژاندارمری سابق مشغول به کار بوده که به دلایل نامعلومی اخراج می‌شود و مدتی به خرید و فروش و ساخت مسکن پرداخته و سپس به راهاندازی بنگاه معاملاتی خودرو اقدام و از این طریق درآمد خوبی داشته به طوری که در کودکی مهین تمام نیازهای مادی وی را برطرف می‌نموده و با مهین رابطه خوبی داشته، و او را با اسم مستعار علی صدا می‌زده و لباس‌های پسرانه به وی

می‌پوشاند و موهایش را پسرانه آرایش کرده و در اکثر مواقع با خودش به بنگاه‌های معاملاتی خودرو می‌برده و پدرش تیپ پسرانه مهین را دوست داشته و او را به انجام این کار ترغیب می‌کرد و در زندگی ایفای نقش مردانه را به وی القا نموده بود، وی خونگرم‌ترین عضو خانواده بوده و از زمانی که تصمیم به ازدواج با همسرش می‌نماید، چون پدرش مخالف این ازدواج بوده به همین جهت به همراه خواستگارش از منزل فرار می‌نمایند که پس از بازگشت برخلاف میل باطنی خانواده اش ازدواج نموده و به این دلیل خانواده اش او را طرد می‌نمایند. چند سال بعد با پادرمیانی بعضی از اقوام رفت و آمد با وی آغاز، اما پس از مرگ پدرش در سن ۷۰ سالگی، این ارتباط باز هم به خاطر تقسیم ارثیه پدری کمرنگ می‌شود. وی پس از ازدواج به همسرش خیلی علاقه‌مند بوده ولی پس از گذشت مدتی شوهرش به جهت رابطه نامشروع با یکی از خانم‌های همکارش در شرکتی که مشغول به کار بوده اخراج می‌شود که این خیانت برای مهین سنگین بوده و کمی نسبت به شوهرش دلسرد می‌شود به خصوص از زمانی که متوجه روی آوردن شوهرش به سمت اعتیاد شده، از این به بعد نزاع و درگیری‌های آنها شروع می‌شود و از زمانی که دختر دوشم به دنیا می‌آید و به خاطر معلولیت و مشکلات جسمی و هزینه‌های درمانی بالایی که داشته و از طرفی عدم ثبات شغلی شوهرش و اعتیاد وی، مشکلات مهین دو چندان گردیده که تصمیم به تهیه یک‌دستگاه پراید نموده و مدتی در آژانس و آموزشگاه رانندگی مشغول به کار می‌شود. مادر مهین با وی رابطه خوبی نداشته و با وی بد اخلاق و بد رفتار بود و محبت لازم را به فرزندش نداشته و حتی وی از دوران کودکی مورد تنبیه‌های مکرر از سوی مادرش قرار گرفته بوده که در زمان ازدواج وی با همسرش نیز مخالف بوده و در هنگام ازدواج نسبت به تامین جهیزه او تلاش نکرده است و در زمانی که مهین ماجرای اولین قتل خود را (پیر مرد صاحب خانه‌اش) با همسرش در میان می‌گذارد که مادرش از این راز اطلاع یافته و از آن به عنوان اهرم فشاری علیه او استفاده می‌کند تا اینکه مبادا مهین سهم الارث خود را از وی در خصوص منزل پدری اش که سکونت دارد مطالبه کند و تهدید می‌کند در این صورت جریان قتل صاحب خانه اش را به پلیس افشا خواهد کرد.

۲-۲. محیط بیرونی یا اجتماعی

تردیدی نیست که فرد از هنگام کودکی با داده‌هایی که با آنها متولد شده آمادگی پذیرش محیط خارجی را پیدا می‌کند و کم‌کم در طول زمان شخصیت او، باتوجه به ساختارهای فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد. (نوربها، ۱۳۸۶، ۱۸۳)

مطالعات زیست‌شناسی و روان‌شناسی اساساً حول محور جسم، روان و شخصیت مجرم متمرکز می‌باشد، درحالی‌که تحقیق در کیفیت اثر گذاری عوامل اجتماعی و ویژگی‌های محیط بر پدیده بزهکاری ضرورتاً با مطالعه ساختار اجتماع و خصوصیات زندگی افراد، وضعیت فرهنگی و غیره امکان پذیر خواهد بود. (نجفی توانا، ۱۹۶، ۱۳۹۴)

عوامل جسمی و روانی باتوجه به نقشی که در چگونگی تشکیل ساختار روان، شخصیت، سلسله اعصاب، حالات خلقی و روحی انسان دارند، در صورتی که دچار اختلال یا هر نوع عدم تعادل گردند، می‌توانند عامل واکنش منفی رفتاری در فرد شوند، این واقعیت باعث گردیده که برخی از جرم‌شناسان و بالاکس روانشناسان، تنها نقش عوامل روانی و روحی و ویژگی‌های آنها را در بزهکاری موثر بدانند و اهمیت چندانی برای اثرات انگیزه‌های اجتماعی قایل نشوند. (همان، ۱۹۷)

گروهی از جامعه‌شناسان اعتقاد دارند بزهکاران در واقع آسیب‌دیدگان بهنجار یک جامعه نابهنجارند، بعضی از افراد که از نظر روانی طبیعی و بهنجار هستند، ولی به علت اینکه جامعه وضع نابهنجار دارد، دست به بزهکاری می‌زنند. (همان، ۱۹۷)

در رابطه با اثر عوامل فردی، باید اذعان داشت نقش عوامل اجتماعی بسیار با اهمیت است، چگونگی انعقاد نطفه، بارداری مادر، تولد و تکوین مراحل رشد روانی و تکامل شخصیت فرد، عمدتاً متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی والدین است، این امر تا آنجا اهمیت دارد، که اگر فرد دارای نارسائی‌های جسمی و روانی باشد، ممکن است در صورت جمع و مناسب بودن شرایط خانوادگی و اجتماعی، بتوان اثرات فردی را خنثی و او را به سوی سازگاری دلالت نمود. (همان، ۱۹۷)

از اعضای خانواده مهین شوهر و پدرش اعتیاد به مواد مخدر داشته اند و به مسائل اخلاقی و مذهبی مقید نبوده اند و به جهت اینکه همسرش ثبات شغلی نداشته و اهل رفیق بازی بوده، مهین همه کارها و مسولیت‌های زندگی را خود به دوش کشیده و با بلند پروازی‌هایی که داشته اقدام به اخذ دسته چک از بانک به نام خودش نموده بود و این امر نیز در پی چندین فقره صدور چک بی‌محل آنها بخاطر سواستفاده فردی کلاهدار مشکلات عدیده‌ای برای وی ایجاد کرده بود.

وی هیچگونه سابقه رجوع به روان‌پزشک یا مدد کار اجتماعی و مشاور حقوقی بلحاظ چک‌های بلامحل صادره نداشته از طرفی ناکامی‌های متعدد و عدم مسولیت‌پذیری شوهرش احساس شکست و پشیمانی در انتخاب همسر را می‌نموده ولی بلحاظ اینکه به اصرار خودش و برخلاف رضایت خانواده اش با او ازدواج کرده بود هیچ وقت مشکلاتش را بروز نمی‌داده، و جهت

ارتقا سطح زندگی‌اش به تغییر مکان اقامت و زندگی اهمیت می‌داده و تلاش می‌کرد سبک زندگی‌اش را تغییر داده و به روز زندگی کند. وی دوران کودکی و مدتی پس از ازدواجش را در محله شیشه چی که در حاشیه شهر قزوین قرار گرفته سپری نموده بود و مدتی در مناطق متوسط شهر قزوین و در زمان ارتکاب جنایت هایش که دستگیر شده در شهرک مینودر قزوین سکونت داشت و بنابراین محل زندگی‌اش در زمان کودکی و پس از ازدواج تفاوت چندانی نداشته و در طول ۲۰ سال زندگی مشترک همیشه مستاجر بوده است (محل زندگی‌اش اکثرًا از امکانات رفاهی - تفریحی و آموزشی مناسبی برخوردار نبوده).

۳-۲. نابسامانی‌های اقتصادی، فرهنگی

تاثیر آشکار پدیده‌هایی چون فقر، فقدان یا کمبود امکانات معیشتی و اقتصادی، بیکاری و نیز معضلات فرهنگی از جمله تجرد، تعارض با فرهنگ حاکم بر اجتماع و... بر بزهکاری، امروزه بر کمتر کسی پوشیده نیست. شکل‌گیری مطالعات خاص در حوزه جرم‌شناسی و تبیین اثر علل اقتصادی و فرهنگی بر بزهکاری و ظهور جرم‌شناسی‌های نو به نام جرم‌شناسی فرهنگی و جرم‌شناسی اقتصادی، به وضوح گویای رابطه مستقیم میان علل و عوامل اقتصادی و فرهنگی و بزهکاری و کژروی و ناهنجاری است، (فرزانه، فروتن، ۱۳۹۴، ۷۶)

جرم‌شناسان فرهنگی بر این عقیده‌اند، که معضلات فرهنگی و بطور کلی، هر عاملی که به نحوی منتهی به بروز تعارضات و بدفهمی‌های فرهنگی در فرد گردد، می‌تواند در عین حال، علت سوق وی به سوی بزهکاری نیز در نظر گرفته شود، در جرم‌شناسی‌های تاکید کننده بر علل و عوامل اقتصادی، این علل و عوامل، مهمترین علت‌های سوق افراد به سوی بزهکاری قلمداد می‌گردند. (همان، ۷۷)

"«سلتزر»^۱ معتقد است که قاتلان سریالی، محصول فرهنگ آسیب دیده جامعه هستند، از نظر وی، زمانی که با یک قاتل سریالی روبرو هستیم، باید فرض را بر آن گذاشت که وی در محیط به سامان و مطلوب فرهنگی رشد نیافته است. (همان، ۷۶)

مرتون^۲ اعتقاد دارد "وقتی بین اهداف فرهنگی مانند ثروت و موفقیت و... و وسایل تشکیلاتی جهت دستیابی به اهداف مانند تحصیلات و... یک عدم تناسب وجود داشته باشد در آن صورت

¹ Jacob Seltzer.

² Robert K. Merton

افرادی که در یک ساختار اجتماعی تحت فشار قرار گرفته‌اند احتمالاً بیشتر از دیگران رفتار انحرافی خواهند داشت." (سام آور، ۱۳۹۱، ۱۵۳)

همچنین برخی از اندیشمندان بطور خاص بر تاثیر علل و عوامل اقتصادی در وقوع قتل‌های سریالی تمرکز داشته‌اند، از نظر ایشان، آنچه قاتلان سریالی را به سوی ارتکاب چنین قتل‌های هراس‌انگیز و خشونت‌آمیزی سوق می‌دهد. سرخوردگی‌های مادی و فقر اقتصادی و معیشتی است. (فرزانه، فروتن، ۱۳۹۴، ۷۶)

از نظر آنان، قاتلان سریالی، از آن رو مرتکب این قتل‌ها میشوند، که در وهله اول، اعتراض خود را از وضعیتی که به آن دچار هستند، به جامعه نشان دهند، به دلیل همین کمبودها و فقدان‌های اقتصادی و معیشتی است که در مورد بسیاری از قاتلان سریالی، این نکته صادق است که قربانیان آن‌ها از جمله اقشار متمکن جامعه بوده‌اند، (همان، ۷۷)

در مورد شخصیت مهین قدیری نیز، بخاطر نوع تربیت خانوادگی که در کودکی داشته و رشد یافته، فردی استقلال طلب و بسیار جاه طلب بوده و علاقه زیادی به استقلال مالی در زندگی داشته، و به علت مشکلات خانواده از جمله بیکاری و اعتیاد همسر و بیماری فرزندش و مشکلات چک‌های بلامحل، و عدم حمایت خانواده، به مشاغلی در خارج از خانه مانند مربیگری آموزشگاه رانندگی، خیاطی، آرایشگری روی آورده، به تنهایی بار مسئولیت زندگی را به دوش می‌کشد. ولی به علت عدم تامین هزینه‌های زندگی علی‌الخصوص تامین مبالغ چک‌ها و درمان فرزندش به قتل زنان میانسال تقریباً متمکن، که به همراه خود طلاجات داشته، به سرقت و جوه و طلاهای آنها روی می‌آورد. لذا میتوان دلیل اصلی ارتکاب قتل‌های سریالی توسط وی را شخصیت روانی خاص وی و فقر و فشارهای ناشی از آن دانست.

۳. پیشگیری و رویکردهای پیشگیرانه در قتل‌های سریالی

۳-۱. پیشگیری کیفی

توسل و تمسک به کیفر و مجازات‌های صعب و سخت، از مشخصات دیرینه سیاست کیفی جوامع برای ایجاد رعب و وحشت در افراد مستعد بزهکاری و جلوگیری از ارتکاب جرم می‌باشد، این رویکرد از زمان تشکیل اجتماعات بشری تا به امروز حول محور این توجیه که کیفر باید موجب تنبیه و بازدارندگی مجرم و تنبه بزهکاران بالقوه شود، چرخیده است. (نجفی توانا، ۱۳۹۴،

(۵۲)

پیش‌بینی مجازات‌های سخت و تنوع کیفرهای وحشتناک ریشه در این تفکر دارد، از عجایب اینک، جوامعی بیشتر کیفر می‌دارند که به مبنای علمی و رابطه علی در وقوع جرایم اعتقاد دارند، و در مواقعی با کم توجهی و یا بی توجهی به کرامت انسانی با نگاه اقتدارمآبانه و استبدادی بشر را در خدمت جامعه پنداشته، و با اوماتیسم و حقوق فطری و اجتماعی بشر رابطه چندان مناسبی ندارند. (همان، ۵۲)

از مهمترین ویژگی‌های این نوع پیشگیری، یکی این است که براساس این رویکرد، هر جرمی با هر مرتکبی به یک شیوه قابل پیشگیری است، و دیگری در این نه پیشگیری مدار و نقطه ثقل پیشگیری، کیفر و برخورد با مرتکب است و نقش غیر مرتکب اعم از بزه دیده و اجتماع در آن نادیده گرفته می‌شود (رحیمی نژاد، ۱۳۸۸، ۱۱۱).

۲-۳. پیشگیری انتظامی

وجود نقاط ضعف و تزلزل در هر جامعه‌ای از جمله وفور بزهکاری‌ها، احساس امنیت خاطر مردم را کاهش داده و یا کلاً از آنها سلب می‌کند، به منظور پیشگیری از ایجاد ناامنی و جلوگیری از ارتکاب فراوان بزه و به تبع آن، افزایش میزان وضرب امنیت اجتماعی، دولت و نهادهای مسئول و متصدی و مجری پیشگیری از جرم، درصدد تمهید برنامه‌ها و تدابیر پیشگیرانه از جرم برآمده اند، از جمله این نهادها، پلیس و دستگاه انتظامی است، (فرزانه، فروتن، ۱۳۹۴، ۹۰)

"پیشگیری انتظامی که گاه به آن «پیشگیری پلیسی» نیز گفته می‌شود، عبارت است از مهار و کنترل جرم از طریق اقدامات پلیسی، نظیر افزایش گشت‌های انتظامی و حضور موثر و ملموس پلیس در سطح شهر به منظور جلوگیری از وقوع رفتارهای مجرمانه". (همان، ۹۰-۹۱)

آورده‌های علمی و فن آوری‌هایی که به دنبال مُدرن کردن پلیس هستند بسیار متنوع اند، ولی وجه مشترک همه آنها مساعد کردن امکان شناسایی و تشخیص بزهکاران، جمع آوری دلایل و به طور کلی تر، گسترده کردن وسایل اقدام پلیس است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۵، ۱۲۴)

پیشگیری انتظامی بر پایه اقدامات پلیسی در جهت حمایت از شهروندان آسیب پذیر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم مبتنی است، متولی این نوع پیشگیری در کشور ما نیروی انتظامی است، (فرزانه، فروتن، ۱۳۹۴، ۹۱)

نهاد پلیس علاوه بر ابزارهای تعریف شده در نظام عدالت کیفری، از همکاری و مشارکت نهادهای اجتماعی و دولتی برای کنترل و مهار عوامل ایجاد کننده جرم استفاده می‌کند، و در تلاش است تا از رهگذر تغییر در ساختار اداری و شیوه‌های اجرایی، خود را در قبال شهروندان و نیز حجم

بزهکاری‌ها مسئول دانسته تا در ادامه بتواند از مشارکت حداکثری اجتماع در کنترل ومهار عوامل ایجاد کننده جرم بهره ببرد. (همان، ۹۱) پیشگیری انتظامی از قتل‌های سریالی را به ویژه به دلیل تاثیر منفی روانی ناشی از وقوع این قتل‌ها در افکار عمومی می‌توان از جمله مهمترین اقدامات پلیس ارزیابی کرد. (همان، ۱۰۵)

۱-۲-۳. نیمرخ سازی (پرو فایل)

"تکنیک «نیمرخ سازی»" سازوکار جدیدی است که پیش از هر روش دیگری، محصول مشارکت فعال جرم‌شناسان؛ روان‌شناسان و متخصصان علوم رفتاری است، این تکنیک می‌تواند در جرائمی که شناسائی مرتکبان آنها دشوار است، در کنار ابزارهای سنتی، یاری رسان ماموران پلیس باشد، (همان، ۱۰۶)

ضرورت کاربست تکنیک نیمرخ سازی در جرائم سریالی، از آن رو است که از یک سو، ماهیت سریالی وتکرار شونده،^۱ این جرایم سبب می‌شود که بزهکار، تا زمانی که انگیزه‌های شخصی او برآورده نشود، از تکرار آنها دست نکشد، افزون بر این، از آنجا که اغلب قتل‌های سریالی، به صورت انفرادی وبدون مشارکت دیگران واقع می‌گردند، شناسایی مرتکبان آنها دوچندان دشوار می‌گردد. (همان، ۱۰۶)

"نیمرخ" در لغت به معنای نصف صورت و نمای جنبی می‌باشد. در اصطلاح «نیمرخ سازی»، عبارت است از ایجاد یک نما و طرح کلی از ویژگی‌های احتمالی بزهکاران ناشناخته، " از گذر ماهیت جرم ارتكابی، ویژگی‌های بزه دیدگان و شواهد گردآوری شده از صحنه ارتكاب جرم. (همان، ۱۰۶)

این تکنیک در واقع در صدد است، تا از طریق به تصویر کشیدن ویژگی‌های گروه‌های خطرناک، ذیل یک عنوان واحد، توصیف، بازجویی وتحقیق از به ظاهر دارندگان این ویژگی‌ها را توجیه کند، تا بتواند در سایه این اقدام، شناسایی وپیشگیری زود هنگام از وقوع قتل توسط چنین بزهکاران خطرناکی را آسان سازد. (همان، ۱۰۷)

تطبیق ویژگی‌های شخصی مظنون با نیمرخ مربوطه، نشانگر ارتباط وی با جرمی است که دارندگان آن نیمرخ مرتکب می‌شوند، در قتل‌های سریالی، با استفاده از تکنیک نیمرخ جنایی سازی می‌توان نشانه‌هایی برای شناسایی بزهکاران به دست آورد.

¹ Repetitive

۲-۲-۳. سیستم بیومتریک

بیومتریک از کلمه یونانی «بیوس»^۱ به معنی زندگی و کلمه «متریکس»^۲ به مفهوم اندازه‌گیری تشکیل شده است، همه ما برای شناسایی یکدیگر از ویژگی‌هایی استفاده می‌کنیم که برای هر شخص انحصاری هستند، واز شخصی به شخص دیگر تفاوت دارند. (همان، ۱۱۳) ابزارهایی که از این سیستم استفاده می‌کنند، از نظر سخت افزاری شامل یک دستگاه ورودی اطلاعات، یک پردازشگر و یک بانک اطلاعاتی هستند که بزهکار مورد نظر با حضور در محل تعیین شده برای وی ملزم به استفاده از آن می‌گردد، در نهایت فرد کنترل کننده با استفاده از این سیستم می‌تواند، شمار قابل توجهی از بزهکاران را تحت نظارت داشته باشد، واز ارتکاب دوباره جرم از سوی آنها جلوگیری و پیشگیری کند.

۳-۲-۳. سیستم آر.اف. آی.دی (R.F.I.D)^۳

" آر.اف. آی. دی " اصطلاحی عمومی برای فناوری هایی است که از امواج رادیویی برای شناسایی خودکار افراد یا اشیاء استفاده می‌کنند. روش‌های بسیاری برای شناسایی وجود دارند که رایج‌ترین آنها، الصاق برچسپ با شناسه‌ای منحصر به فرد به اشیاء یا انسان‌ها است، این سیستم عمدتاً برای مجرمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، که تمایل چندانی به همکاری با پلیس ندارند. (همان، ۱۱۳)

این سیستم می‌تواند در هر مکانی که به نظر می‌رسد بیشترین احتمال بزهکاری در آن یا بیشترین احتمال مراجعه به بزهکاران یا بزه دیدگان بالقوه به آن وجود دارد ویا اصولاً هر مکانی که پلیس مایل به نظارت بر آن باشد، نصب شده و مورد استفاده قرار گیرد. به این ترتیب، از گذر نظارت، احتمال بزهکاری‌ها نیز کاهش می‌یابد، ویا پس از وقوع جرایم امکان ردیابی و دستگیری بزهکاران افزایش می‌یابد.

۴-۲-۳. ابزارهای نظارت و ردیابی الکترونیکی

این راهبرد، دقیقاً ناظر بر ساز و کار نصب دستبندهای الکترونیکی به دست متهمان یا مظنون یا مجرم سابقه دار است، به منظور تسهیل فرایند ردیابی متهمان در هر محلی که به سر

¹ Bios

² Metrikos

³ RFID : Radio Frequency Identification.

می‌برند، این راهکار صرفاً توسط پلیس مورد استفاده است.

هدف پلیس از اجرای این سازوکار نیز، آن است که با اخذ تعهد از متهمان و مجرمان مبنی بر اینکه هیچگاه این دستبند را از دست خود باز نکنند و گرنه مجازات می‌شوند، آنها را در هر جایی که باشند، سریع ردیابی کرده و از ارتکاب رفتارهای خطرناک از جانب آنها پیشگیری کند. (همان، ۱۱۴)

این ابزارها متنوع اند، لیکن معمول‌ترین آنها دستبند الکترونیکی و نصب تراشه الکترونیکی در اعضای بدن مظنونان، متهمان و مجرمان سابقه‌دار هستند، با نصب دستبند و تراشه، ردیابی افراد بسیار آسان است، چراکه این ابزارها از طریق امواج رادیویی، با مرکز کنترل الکترونیکی پلیس در ارتباط مستمر بوده و از طریق آنها پلیس می‌تواند دائماً افراد مظنون یا متهم یا مجرم سابقه دار را تحت نظارت و ردیابی داشته باشد.

مهمین به اتهام مظنونیت به قتل صاحب خانه اش مدت یک ماه در سال ۸۴ در پلیس آگاهی قزوین در بازداشت بوده که پس از انجام تحقیقات به جهت تناقض گویی‌ها و اظهاراتی که داشته با صدور قرار وثیقه آزاد شده و ۲ سال بعد از آن مجدداً شروع به قتل‌های سریالی می‌نماید. قابل ذکر است که مهمین پس از ارتکاب اولین قتل دستگیر و جزو مظنونین احتمالی پلیس بوده ولی به لحاظ ضعف دلایل اثباتی بزه مدت مدیدی آزاد بوده که در این مدت اقدام به ارتکاب پنج فقره قتل دیگر نموده، که در صورت استفاده از این تکنیک براحتی متهم قابل شناسایی و دستگیری بود.

۲-۳. پیشگیری عام

پیشگیری عمومی در ارتباط با کل جامعه بوده و مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد، با توجه به نقش حساس و پر اهمیت محیط در تشکیل و تکامل شخصیت و رفتارهای انسان، این جامعه است که باید در مرحله اول خود به رفع کمبودها و نیازها و ضعف‌های موجود اقدام و سپس از آحاد تشکیل دهنده‌اش انتظار رفتار مناسب و هماهنگ با ضوابط را داشته باشد، (نجفی توانا، ۵۳، ۱۳۹۴)

پیشگیری از بزهکاری باید از اصلاح محیط آغاز گردد، اگر محیطی سالم و متعادل باشد، افراد آن نیز به طور عمده متأثر از این شرایط، نظم پذیر بوده و بزهکاری امری استثنایی یا بسیار کم اهمیت خواهد بود، و اعمال سیاستی که بتواند عدالت اجتماعی را در تمام ابعاد جامعه حاکم نماید (همان، ۵۳)

رویکرد پیشگیری عمومی در قالب پیشگیری توسعه اجتماعی از طریق اعمال سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی انجام میشود، در این نوع پیشگیری سعی می‌شود، با ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی، امنیتی، اقتصادی به افراد آسیب پذیر و نیازمند ارتقاء سطح کیفی و کمی زندگی مردم از اثرگذاری منفی عوامل ومشکلات مذکور در هنجارها جلوگیری واز قابلیت جرم‌زایی این عوامل کاسته شود.

۳-۳. پیشگیری خاص

این پیشگیری مبتنی بر انجام اقداماتی است، که قبل یا بعد از ارتکاب ناسازگاری و بزه صورت گرفته وهدف آن مبارزه با انگیزه‌ها و علل بزهکاری، بازپروری مجرم و امحاء عوامل و انگیزه‌های آن است، در حقیقت پیشگیری اختصاصی، مسکن برای تسکین درد و جلوگیری از پیشرفت آن بوده وعمدتاً در کوتاه، مدت مفید است. (همان، ۵۴)

این نوع پیشگیری می‌تواند شامل مبارزه با اعتیاد والکلیسم وجمع آوری اطفال بی‌سرپرست و اسکان آنها در موسسات تربیتی و کارآموزی، خارج کردن فرزندان از خانواده‌هایی که والدین آنها به دلیل فساد اخلاقی، یا عدم توانایی قادر به تربیت صحیح فرزندان خود نیستند و نگهداری آنها در مراکز فوق الذکر، مراقبت از افرادی که در حالت قبل از ارتکاب جرم قرار دارند، واصطلاحاً "درحالت خطرناک" بسر می‌برند، و نگهداری آنها در مراکزی که امکانات بازسازی و سازگار نمودن افراد را با سازوکارهای زمینه‌های آموزشی، تربیتی و حرفه‌ای، روان‌شناسی، روانپزشکی، مددکاری دارد.

۱-۳-۳. پیشگیری وضعی

این نوع پیشگیری، باتوجه به شرایط بزهکار، نوع جرایم، اهداف و موضوعات جرم، خصوصیات بزه دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد، که فرآیند آنها از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد، (همان، ۵۵-۵۶)

پیشگیری وضعی در قالب کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم، با توسعه امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان‌ها و محله‌هایی که در نهایت موجب خطرناک و پرهزینه تر شدن اعمال مجرمانه می‌شوند، همراه است، (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ۵۵) در این روش، کنترل وابتکار برای پیشگیری، جانشین برخورد کیفی و مجازات و یا انفعال می‌شود، در واقع هدف جرم مورد حمایت قرار گرفته و از پیشرفت مراحل ارتکاب جرم جلوگیری می‌شود.

باتوجه به جنبه حسابگری در ارتکاب جرایم به‌طور کلی و به ویژه در جرایم مالی، جنسی و عفت و اخلاق عمومی و محاسبه منفعت و خطر ارتکاب بزه توسط بزهکار، می‌توان با تغییر در اوضاع و احوال مرتبط با بزهکار، بزه دیده و گستره جغرافیایی مورد هدف بزهکار، ارتکاب بزه را سخت و سخت‌تر نمود. مدیریت پیشگیری از جرم با تغییر و اصلاح روش زندگی افراد، محیط سکونت آنان، هدف خنثی سازی عملیات مجرمانه را دارند. از بین بردن اماکن و محلاتی که محل گردهمایی و تجمع ولگردان، فواحش، توزیع کنندگان مواد مخدر، اشرار و سابقه‌داران است، استقرار نیروهای پیشگیری وانتظامی در اطراف پارک‌ها، مدارس، میادین، ایجاد گشت‌های محلات، تعیبه دوربین‌های مداربسته نیز از دیگر سازوکارهای پیشگیری وضعی می‌تواند باشد.

۲-۳-۳. پیشگیری اجتماعی جامعه محور

اغلب مردم این نکته را پذیرفته اند که جرم پدیده‌ای ناخواسته است و جامعه باید گام‌هایی جدی در جهت مهار و پیشگیری آن بردارد، اما چگونگی دستیابی به این مهم به گونه‌ای تنگاتنگ با علل مفروض جرم مرتبط است (دادستان، ۱۳۸۶، ۲۸۵)

منظور از پیشگیری اجتماعی، مداخلات و اقداماتی است که برای تغییر در شرایط پیرامون فرد در معرض خطر بزهکاری یا بزه دیدگی طراحی و اجرا می‌شوند. (فرزانه فروتن، ۱۳۹۴، ۱۳۰) در پیشگیری اجتماعی، برخلاف پیشگیری وضعی، به دنبال پیشگیری از جرم از طریق تحول اجتماعی به جای تغییر محیط فیزیکی هستیم. و از طریق تغییر فرایندهای اجتماعی، اصلاح ضعف‌های موجود در اجتماع و تقویت مولفه‌های مثبت اجتماعی، درصدد کاهش رفتارهای مجرمانه هستیم.

در پیشگیری اجتماعی، توجه بیشتر بر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. مطالعه منابع بزهکاری و شناسایی علل مرتبط با ساختار و تشکیلات جامعه و تغییر اوضاع و احوال نامساعد اجتماعی همچون فقر، توسعه نیافتگی، نابرابری فرصت‌های آموزشی، بیکاری، عدم ازدواج و... از محورهای اصلی در پیشگیری اجتماعی از بزهکاری هستند.

این نوع از پیشگیری با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال پیشگیری از جرم به‌صورت پایدار و همیشگی است، هدف از این پیشگیری، تقویت بنیادهایی است که با اثرگذاری بر گروه‌های در آستانه خطر، به جامعه پذیری فرد کمک می‌کنند. (همان، ۱۳۱-۱۳۲) پیشگیری اجتماعی از آن رو که مولفه و عوامل اجتماعی نیز در پیدایش قاتلان سریالی و وقوع قتل‌های

سریالی موثر شناخته شده‌اند، بسیار مفید و راهگشا بوده و در راستای پیشگیری از قتل‌های سریالی می‌تواند به کار آید.

۱-۲-۳-۳. تهیه بانک‌های اطلاعاتی مربوط به قتل‌های سریالی و قاتلان سریالی

یکی از دغدغه‌های مهم و اصلی مقامات پلیس در خصوص قاتلان سریالی، تهیه و تدارک یک بانک اطلاعاتی منسجم و جامع در مورد آمار و اطلاعات مربوط به قتل‌های سریالی و نیز قاتلان سریالی است، تا براساس این اطلاعات و آمار، اولاً بزه خیزترین مناطق و اماکن شناسایی شوند. و مهمترین عوامل و فرایندهای بسترساز، برای وقوع چنین قتل‌هایی مشخص گردد، و ثانیاً راهکارهای پیشگیری از وقوع این قتل‌ها در سطح اجتماع تعیین گردند. (همان، ۱۳۷)

در تهیه این بانک‌های اطلاعاتی، از کمک شهود و مطلعین به‌عنوان افراد دارای اطلاعات غیر تخصصی و نیز کارشناسان، جرم شناسان، جامعه شناسان و رفتار شناسان به مثابه مراجع تخصصی بهره گرفته می‌شود، همچنین، سایر ظرفیت‌های اجتماعی، نظیر مراکز فرهنگی و رفاهی نیز، یاری رسان نیروهای پلیس در این زمینه بوده‌اند. در ایجاد این بانک‌ها تمرکز بر عوامل و علل بسترسازی اجتماعی و زمینه‌ساز وقوع قتل‌های سریالی از جمله مسائل و معضلات فرهنگی، رفاهی و معیشتی و تاثیر آنها در تسهیل و تسریع وقوع چنین قتل‌هایی است.

۳-۲-۳-۲. پیشگیری اجتماعی فرد مدار

ظهور و اشاعه پیشگیری فردمدار، معمولاً به تحقیقات «دیوید فرینگتون»^۱ و همکارانش نسبت داده بود، نقطه عزیمت آنها این فرضیه بود؛ که بزهکاری، جزیی از سندرم بزرگ‌تر رفتار ضد اجتماعی است که در کودک شروع شده و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد، همچنین نظریه وی بر این بنیان نیز استوار است که شروع زودرس بزهکاری به دلیلی که فرینگتون، آن را «پتانسیل جنایی نهفته»^۲ می‌نامند، نشان دهنده فعالیت‌های مجرمانه بعدی است.

بر همین اساس و به رویه جرم شناسی اثباتی، فرینگتون معتقد است؛^۱ که ریشه‌های نشانه شخصیت ضد اجتماعی را که در بین بزهکاران حرفه‌ای و مزمن دیده می‌شود، می‌توان در سنین خردسالی تشخیص داد و درمان کرد در همین چارچوب، فرینگتون، پیشگیری فردمدار را به

¹ David p.Farrington

² Underlying criminal potenetial

عنوان مداخلاتی که برای جلوگیری از رشد پتانسیل جرم در افراد طراحی شده‌اند، تعریف کرده است.^۱ (همان، ۱۳۹۸)

در پیشگیری فرد مدار، اقداماتی که بر فرد تاثیر گذاشته و خلاءهای شخصیتی وی را پر می‌کنند به کار گرفته می‌شود. خلاهای شخصیتی فرد ممکن است به موازات رشد فرد به وجود آمده باشد و یا اینکه تحت تاثیر محیط اطراف فرد ایجاد شده باشد (بابائی، ۱۳۹۸، ۲۸۳).

۳-۳-۲-۳. افزایش مراقبت در مناطق حاشیه‌ای، متروکه (آثار حاشیه نشینی)

آثار حاشیه نشینی، به ویژه از این رو که مناطق حاشیه نشین، به دلیل فقدان نظارت‌ها و کنترل رسمی و غیر رسمی، به محل تجمع بزهکاران تبدیل شده و به مرور در این شرایط، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مجرمانه و کژروانه و منحرفانه ایجاد و تقویت می‌گردند، مورد مطالعه هستند. (فرزانه، فروتن، ۱۳۹۴، ۱۲۱)

در مناطق حاشیه‌ای و سکونت‌های غیر رسمی، ازدیاد بی‌انضباطی‌ها و بی‌مبالاتی‌ها در نتیجه نبود نظارت‌ها منتهی به شکل‌گیری فضایی غیر قابل کنترل می‌شود. که وقوع بزه‌های مختلف در آن را غیر قابل اجتناب می‌سازد. عامل تجمع بزهکاران به همراه دیگر ویژگی‌های منفی مناطق حاشیه‌ای از جمله بالا بودن فقر اقتصادی، فرهنگی و معیشتی و پایین بودن سطح سواد و آگاهی‌های عمومی، فضاهای حاشیه‌ای را به محل‌های مناسبی برای گسترش و تعمیق رفتارهای هنجارشکن تبدیل می‌کنند.

در رابطه با پیشگیری از این گونه قتل‌ها از طریق توسل به راهبردهای مراقبتی از مکان، که به ویژه در مورد مناطق حاشیه‌ای صدق عنوان دارند، گفته شده: "که هر جرمی در یک مکان رخ می‌دهد" واز دیگر سو، برخی مکان‌ها برای مجرمین، واجد جذابیت‌ها و قابلیت‌هایی هستند که انگیزه و تمایل بزهکاران را برای ارتکاب قتل‌های سریالی مضاعف می‌سازد. در صورتی که مکان، تحت کنترل و نظارت قرار گیرد، می‌توان بخش مهمی از جریان وقوع قتل‌های سریالی را نیز تحت نظارت قرار داد واز وقوع این قتل‌ها کاست، (همان، ۱۲۳)

سی - ری جفری^۱ در کتاب پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط به بیان یک راهبرد سه بخشی پیشگیری از جرم می‌پردازد، تخست اینکه طرح فیزیکی می‌تواند یک منطقه را دفاع پذیر کند، دوم اهمیت حضور بیشتر شهروندان در پیشگیری از جرم و بالاخره وجود یک دستگاه

^۱ C.J.Geoffrey

عدالت کیفری کارآمد که یک عنصر اساسی در ارتقاء پلیس در تعقیب و بازداشت مجرمین خواهد بود (افتخاری، ۱۳۸۸، ۲۱۷).

۳-۳-۲-۴. نظارت ویدئویی - دوربین‌های مداربسته

نصب دوربین‌های مداربسته، یکی از اقسام نظارت مکانیکی (فنی یا ابزاری) است که اگر با مطالعه قبلی و توجیه منطقی صورت گرفته باشد و با مداخله شایسته و به هنگام همراه باشد، عملکردی موفقیت‌آمیز خواهد داشت. (فرزانه، فروتن، ۱۲۵، ۱۳۹۴) دوربین مداربسته می‌تواند با افزایش رؤیت پذیری و نظارت و به دنبال آن، افزایش خطر دستگیری مجرمان، موجب پیشگیری از جرم شود. (فرزانه، فروتن، ۱۳۹۴، ۱۲۵)

بعضاً وجود برخی معضلات، کارآمدی و اثر مثبت راهبردهای نظارتی و مراقبتی مورد بحث را کاهش می‌دهد، این معضلات را می‌توان عبارت دانست از:

- **ناهمگن بودن محله‌ها**، بخصوص مکان‌های جرم خیر، این ناهمگونی که به‌ویژه ناشی از عدم امکان توزیع امکانات رفاهی و شهری در مناطق مختلف و فقدان نظارت‌های دائمی؛
- **ساختار جغرافیایی پراکنده**، پراکندگی ساختار جمعیتی و جغرافیایی، موجب کمتر شدن میزان نظارت‌ها و رؤیت‌پذیری‌ها است؛
- **وجود مکان‌های متروکه پر خطر در میان بافت‌های مسکونی**، این مورد اساساً به دلیل فقدان نظارت‌ها یا رؤیت‌پذیری‌های عمومی و ویژه از سوی پلیس و یا به سبب اینکه قبلاً به دفعات، بزهکاری در آنها در گذشته رخ داده، امکان وقوع بزه‌های مشابه و یا حتی شدیدتر وجود دارد؛
- لذا تاکید بر کاهش چنین اماکنی در مناطق شهری و یا لاقفل، افزایش نظارت‌ها بر این گونه اماکن و هدایت فشار جمعیتی به سوی این اماکن است.

۳-۳-۲-۵. افزایش ناوگان حمل و نقل عمومی

یکی از راهبردهای مورد اشاره و تاکید از سوی جرم‌شناسان پیشگیری، به منظور پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار از بزهکاری، افزایش ناوگان حمل و نقل عمومی در اماکنی است که کمتر محل رفت و آمد و ترانزیت کالا هستند. این مورد به ویژه بر این پیش فرض استوار است که هرچه

رؤیت‌پذیری و آمد و شدها در یک مکان افزایش یابد، احتمال ارتکاب رفتارهای کژروانه و بزهکارانه کمتر خواهد شد. (همان، ۱۲۹)

مناطقى که حجم رفت و آمدها و جابجایی‌های کمتری را تجربه می‌کنند، طبعاً بیشتر می‌توانند توجه قاتلان سریالی را به خود جلب کنند، چرا که آنها به دنبال یافتن مکان‌هایی هستند که دور از چشمان و انظار عمومی بوده و دیگران، به آنها کمتر توجه داشته باشند، تا احتمال افشای رفتارهای مجرمانه آنها نیز کاهش یابد و آنها به راحتی به ارتکاب قتل دست بزنند.

۱-۲-۳-۳. آموزش همگانی در راستای پیشگیری از وقوع قتل‌های سریالی

در راستای پیشگیری از وقوع قتل‌های سریالی، هرگز نباید از نقش مثبت و تاثیر گذار آموزش‌های همگانی غافل بود. آموزش‌های همگانی، از جمله راهبردهای اصلی در پیشگیری جامعه مدار از بزهکاری و ذیل عنوان کلی توانمند سازی^۱ افراد در برخورد با عوامل و علت‌های وقوع این نوع قتل‌ها و پیشگیری از وقوع این نوع قتل‌ها هستند. (همان، ۱۲۳)

این آموزش‌ها از طریق، خانواده، مدرسه، محیط‌های شغلی، محیط‌های آموزشی و پرورشی، و.. صورت می‌پذیرد. و گفته شده که ارائه اطلاعات و آمار درست و نیز ارائه آموزش‌های عمومی و اختصاصی درباره پدیده قتل‌های سریالی، علل و عوامل وقوع آنها و نیز طرق پیشگیری از وقوع آن از طریق نهادهای مختلف مورد اشاره، نقش آشکار و موثری در افزایش توانایی و قابلیت‌های شخصی و گروهی در راستای پیشگیری از قتل‌های سریالی ایفا می‌کنند.

در جریان رسیدگی به پرونده حاضر، نگارنده^۲ که بازپرس رسیدگی به پرونده بوده، جهت پیشگیری از وقوع جرم از طریق رسانه‌های جمعی محلی اطلاعاتی به طور وسیع در اختیار عموم مردم قرار میداد که این امر باعث تسهیل در شناسایی و دستگیری متهم و پیشگیری جدی از وقوع قتل‌های بیشتر گردید.

۲-۲-۳-۳. اجرای برنامه‌های درمان و معاینه

مقصود از اجرای این برنامه‌های تحت درمان مستمر، قرار دادن کودکان و نوجوانانی است، که

^۱ Capabolisation

^۲. فرزین افروز بازپرس وقت رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره ای

رفتارهای آنها نشان دهنده خشونت و سرکشی نهفته در وجود آنها است، این مورد در جامعه‌ای نظیر ایالات متحده که کودکان و نوجوانان، مشتریان مهم برنامه‌ها و فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی خشونت بار هستند، و همواره نیز در معرض تهدیدات جدی فضای مجازی قرار دارند، بسیار مورد توجه بوده است. در راستای اجرای برنامه‌های درمانی و معاینه روانی، خانواده‌ها ناگزیرند، کودکان و نوجوانان خود را حداقل سالی یک بار توسط روان‌شناسان، تحت معاینه قرار دهند، تا اگر زمینه خشونت و سرکشی رفتاری در آنها دیده شد و کمترین احتمالی داده شود، که بسترهای ارتکاب جرم‌های خشونت بار از جمله قتل‌های سریالی در آنها وجود دارد، تحت درمان‌های مداوم روانی قرار دهند.

نتیجه

پیشگیری از وقوع از جرم به عنوان جدیدترین رویکرد جرم‌شناختی و موثرترین راه مبارزه با جرم، امروزه جایگاه بس ارزشمندی در سیاست جنایی کشورها به خود اختصاص داده است، این جایگاه بلند در اثر ناکامی آموزه‌های کیفری و حتی دیدگاه‌های جرم‌شناختی و شناخت ماهیت بزهکاری و عوامل موثر بر آن و در نتیجه کنترل بزهکاری بوده است، ترس از رنج و عذاب ناشی از کیفر، نه تنها برای مرتکب جرم، بلکه برای دیگران نیز که اندیشه‌های مجرمانه در سر می‌پروراند یک عامل بازدارنده محسوب می‌شود. مهار و کنترل پدیده مجرمانه به عنوان چالشی که امروزه تمامی جوامع در صدد غلبه بر آن هستند معضلی نیست که تنها از طریق اعمال سیاست‌های کیفری و اعمال روش‌های موقت بتوان آن را به بند کشید. پدیده مجرمانه (اعم از انحراف، خلاف، جنحه، جرم) در هیچ انسانی از آغاز نهادینه نیست. محیط یعنی آن چه انسان ابتدا خود می‌سازد و سپس خود در دام آن می‌افتد، آن چنان عامل نیرومندی است که ساختنش مستلزم تدابیر و سیاست‌های خاصی است؛ اگر دولت‌ها بدون توجه به شرایط، نیازها و مولفه‌های زمانی اعضای جامعه تنها انتظار تمکین و حرکت در چارچوب قوانین داشته باشند، هرگز امنیت مستولی نشده و مهار بزه کاری غیرممکن است.

از طرفی اقدامات پیشگیرانه از جرم، با جرم‌انگاری رفتارها و کیفر دادن مرتکبین این رفتارهای مجرمانه و اغلب در راستای پیشگیری از تکرار جرم انجام می‌گیرد. در کنار جرم، شناختن افعال متعدد توسط قانونگذار باید به فلسفه توصیف مجرمانه عمل و شیوه این اقدام توجه کرد؛ موضوعی که کمتر به آن توجه می‌شود. در این راستا جرم‌انگاری اعمال ضد اجتماعی مستلزم رعایت یکسری از اصول و مبانی توسط قانونگذار در این زمینه است.

متاسفانه مهین قدیری اولین و آخرین قاتل سریالی نبوده و نخواهد بود، با مطالعه پرونده و تامل در اظهارات وی چنین به نظر می‌رسد، اگر در زمان نوجوانی که نخستین نشانه‌های خشونت رفتاری و تمایل وی به حذف فیزیکی دیگران در وی ظاهر شده بود، تحت درمان مستمر قرار می‌گرفت، به احتمال زیاد شاهد وقوع چنین قتل‌هایی از سوی وی نبودیم. بروز اختلال و رفتارهای ضد اجتماعی در کودکان و نوجوانان اگر در سال‌های آغازین، مورد درمان قرار نگیرد، به سادگی می‌تواند منتهی به بروز پرخاشگری، خرابکاری، ارتکاب رفتارهای مجرمانه، قانون شکنی و خشونت‌های رفتاری در بزرگسالی گردد، ارجاع کودکان و نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک به مراکز روان درمان و روانپزشکی و مداخله درمان ضرورتی اجتناب ناپذیر است، ارتباط والدین با مدارس و به کارگیری تدابیر درمانی و پیشگیرانه در تمام سطوح در مورد این کودکان و نوجوانان لازم است.

در پایان آنچه مسلم است اعمال هریک از این روش‌های پیشگیری که در عنوان گردید، به تنهایی نمی‌تواند موجب پیشگیری قطعی بزهکاری شود، هرچند ممکن است به صورت مقطعی یا موضعی موثر باشد، بنابراین مهمترین سازوکار در مقوله پیشگیری از وقوع جرایم، استفاده تلفیقی از انواع روش‌های پیشگیرانه خواهد بود.

بنابراین پیشنهاد می‌شود: دربرخورد با حالت خطرناک از پیشگیری اختصاصی، کاهش آسیب‌پذیری آماج جرم با پیشگیری وضعی، اثر عبرت‌پذیری در افراد مستعد با اعمال کیفر مناسب، تضعیف و کاهش امیال مجرمانه با پیشگیری عمومی و از بین بردن و امحاء عوامل جرم زاء... بهره جست. در غیر اینصورت نمی‌توان بانگاه مجرد و انتزاعی بر یک روش به مبارزه با پدیده بزهکاری همت گماشت.

منابع

۱. ام. هرمینینگ ویلیام، قاتلان زنجیره‌ای (رشد روانی اجتماعی بدترین مجرمان حرفه‌ای)، ۱۳۹۹.
۲. ام هولمز، رونالد، تی هولمز، استفان، قاتل سریالی، خسروانی، علیرضا، انتشارات راه فردا، ۱۳۹۴، چ اول
۳. ال. وینفری، توماس، نظریه‌های جرم شناسی، مترجم افتخاری، سید رضا، نشر گناباد دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۸، چ اول.
۴. پیکا، ژرژ، جرم شناسی، مترجم نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ نشر میزان، ۱۳۹۵، چ چهارم.

۵. گسن، ریموند، جرم‌شناسی نظری، مترجم کی نیا، مهدی، انتشارات مجد، ۱۳۸۸، چ سوم.
۶. بابائی، دکتر محمدعلی، جرم‌شناسی بالینی، نشر میزان، ۱۳۹۸، چ سوم.
۷. دادستان، دکتر پریخ، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶، چ پنجم.
۸. حسینی، علی، زرگر، یداله، قاتل سریالی، انتشارات راه فردا، ۱۳۹۳، چ اول.
۹. رحیمی نژاد، دکتر اسمعیل، جرم‌شناسی، انتشارات فروزش تبریز، ۱۳۸۸، چ اول.
۱۰. سام‌آور، عرت‌اله، نظریه‌های مددکاری اجتماعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۱، چ اول.
۱۱. سلطانی، شبینم، راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم، سال ۱۳۹۷.
۱۲. فرزانه، نغمه، فروتن، رضا، ۱۳۹۴، انتشارات جاودانه جنگل، چ ۱.
۱۳. فرجاد، محمد حسین، آسیب‌شناسی اجتماعی، ۱۳۹۹، انتشارات علم، چاپ سوم.
۱۴. قادری، دکتر داود، امیرسرداری، دکتر لیلی، پورصادق، کیوان، نشر وانیلا، چاپ ۳.
۱۵. نجفی توانا، دکتر علی؛ جرم‌شناسی، ناشر آموزش و سنجش، ۱۳۹۴، چ ۱۸.
۱۶. نوربها، دکتر رضا، زمینه جرم‌شناسی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶، چ سوم.